

آورده و فرآورده (ش.ش)

آورده و فرآورده، دو اصطلاح نسبتاً مهم در نظریه معرفت شناختی ذره ای کیهانشانی ما هستند. این دو اصطلاح در دو اطلاق هم افق به کار می رود.

آورده، عبارت است از ادراکاتی که بر نفس مُدرک وارد می شود و نفس بوسیله یکی از راه های ادراک، با آن مواجه می شود.

فرآورده، عبارت است از آنچه ذهن و ضمیر دانشمند، آن را مورد پردازش قرار داده است و به مفاهیم تازه، بدل می کند. فرآورده، برونداد معرفتی دانشمند (ان) است که باید به صورت قضیه ای در دانشسرا عرضه شود.

▪ یک آورده می تواند خیلی ساده باشد، مانند: حس گرسنه یا شاد شدن (حادث حضوری) حس گرم شدن هوای اتاق (حادث حسی) دیدن افتادن یک سیب، یا شنیدن خبر تولد یک فرزند و... همچنین ممکن است پیچیده و در پرتو کاوشی ژرف باشد مانند: مواجهه با یک کنش و واکنش جدید در فرآیند پیچیده فتوسنتز، کشف یک ستاره در آسمان، دریافت شناختی بهتر از رحمانیت خداوند و... یک فرآورده، حاصل کشف و شهود یا تجزیه و تحلیل آورده ها و مواد اولیه معرفتی است. مثلاً افتادن سیب برای نیوتن یک آورده بود. وقتی از افتادن سیب به وجود جاذبه پی بُرد، یک فرآورده را تولید و عرضه کرد. این فرآورده برای او که سخن نیوتن را می شنود یک آورده است. در هر حال «تصدیق دانشسرایی جاذبه» برای اولین بارها یک فرآورده سپهری و معرفتی جهانی یا بومسازه ای است.

▪ آورده ها و فرآورده های معرفتی موجود در کالبد علوم، پیوسته در تعامل اند. مثلاً فرآورده-های معرفتی موجود در ذهن آینشتاین، با آورده ها (آنچه به قوای ادراکی آینشتاین از بیرون دانسته های او، وارد می شود) ترکیب معرفت شناختی و تعامل علم ساختی پیدا کرده و مثلاً به نظریه نسبیت خاص منجر شده است. مقالاتی که آینشتاین می خوانده و با مفاهیم خام آن روبرو می شده و می توانسته تبیین های پیشین را به چالش بکشد و یا مواد نظریه او را فراهم کند، برای او آورده بوده است و همه استنباط هایی که خودش در تمهید مقدمات معرفتی و... بوسیله تفکر، نقش داشته است و آن ها را بسته بندی و تقریر کرده، از قبیل فرآورده های اوست (نزد خود یا در جامعه نخبگانی)

▪ همه آنچه خداوند توسط جبرائیل امین به پیامبراکرم صلوات الله علیه و آله وحی کرده است، آورده هایی برای نبی اکرم (ص) است و آنچه پیامبر به مردمان ابلاغ فرموده آورده-هایی برای ایشان است. درک ها و تفسیرهای آن

توسط عالمان، فرآورده های آنان است. بنابراین آورده ها و فرآورده ها، همواره جنبه شخصی ندارد و همواره میان معدودی افراد، جریان پیدا نمی کند.

▪ در نظریه ذره ای-کهکشانی، جامعه نخبگانی درست مانند یک نفس مدرک و «حس مشترک جمعی» در نظر گرفته می شود. فرآورده نخبگانی، همان دانش به اشتراک گذاشته و پذیرفته شده است (مقبولات شایع موجه) بنابراین نظریه نسبت آینشتاین در نخستین مواجهات نخبگانی (و تا زمان تبدیل شدن آن به معرفت شایع موجه) یک آورده است و پس از آن یک فرآورده جمعی نخبگانی خواهد شد.

▪ اگر گزاره ای همچنان به قرار فرضیه بماند، باز هم فرآورده است؛ فرآورده ای که در سیاهه فرضیات قرار می گیرد، (یک فرآورده فرضیه ای است) مثلاً «ریسمانی شکل بودن جزء ریز ماده» در تبیین جوهر مواد، یک فرآورده معرفتی است. دانشسرا می داند که این فرضیه ای در بستر فیزیک کوانتم نظری است و به همین این معنا، شایع و موجه است (اگر شایع و موجه نباشد، اصلاً سیاهه نمی شود) این همان وجه مسامحه، در اطلاق آورده و فرآورده است که به نظر آسیبی دربر ندارد. در تقریر دستگاه معرفتی ذره ای-کهکشانی، خواهید دید که این دو اصطلاح برای تبیین نظریه، بسیار کارگشا هستند. همچنین توصیه این نظریه به همگان این است که از این دو اصطلاح و از این تفکیک، استفاده کنند.